

«بیانیه دانشجویان سوسیالیست پیرامون ۸ مارس ۲۰۰۹»

دانشجویان سوسیالیست

شنبه ۱۷ اسفند ۱۳۸۷



تاریخ تمام جوامع طبقاتی تا کنون، تاریخ ستم جنسی سازمان یافته علیه زنان است. ستمی که در نظام سرمایه داری

به اوج رسیده و به گونه ای مضاعف و هوشمندانه تر بر زنان اعمال میشود. اگرچه تمام آحاد بشری در نظام سرمایه داری جهانی به بند کشیده شده اند و به طرق گوناگون استثمار می شوند، زنان، به حکم منطق سودمحور سرمایه

و در نظام تقسیم کار منحن سرمایه داری، از جهات مختلف و گاه بسیار پیچیده تر از مردان استثمار میشوند و موقعیتشان، تجلی بردگی نوین در نظام سرمایه داریست.

تهاجم و یورش های هر روزه سرمایه داری به طبقه کارگر، که به ویژه در پرتو بحران های اقتصادی متناوب آن شدت و فزونی می گیرد، حداقل زندگی انسانی و بهره مندی از حقوق بدیهی انسانی را از طبقه کارگر می رباید و این نظام و عوامل سرمایه، دائما در صدد پس گرفتن اندک دستاوردهای کارگران در طی دهه های متمادی مبارزه طبقاتی شان اند. بدین ترتیب است که زنان کارگر، که بخش اعظمی از جمعیت زنان را در سراسر جهان تشکیل می دهند، از جوانب مختلف و همزمان مورد تعرض سرمایه داری قرار می گیرند، هم ستم جنسی و هم ستم طبقاتی. این مسئله به ویژه در ایران، که تحت حاکمیت سرمایه داری اسلامی است حادث تر هم می شود، چراکه این بار مذهب نیز انواع ستم ها بر زنان را کانالیزه و ایدئولوژیزه کرده و آنها را تقویت می نماید.

از این روست که جنبش زنان، اگرچه در بدو امر ماهیتی دموکراتیک می یابد، اما بی قید و شرط به جنبش طبقه کارگر پیوند می خورد و پیشروی آن در گرو پیشروی مبارزات طبقاتی تحقق می یابد. لیبرالیسم تاریخی و مکررا ثابت کرده است که در پیگیری حقوق انسانی، ولو کف حقوق دموکراتیک انسانها، ناکافی و ناپیگیر است؛ از این جهت، این وظیفه سوسیالیست هاست که در تمام جنبش ها فعالانه در راستای احقاق حقوق و خواستهای انسانها مبارزه کنند.

جنبش زنان اگرچه مستقل از دیگر جنبش های اجتماعی است، اما بدون شک اولاً جنبشی عمیقاً سیاسی و رادیکال است و در ثانی در پیوند ناگزیر با دیگر جنبش ها با محوریت جنبش طبقه کارگر معنا می یابد. بنابراین، استقلال جنبش زنان، نه آن چنان که لیبرال ها با ریاکاری هدفمند تبلیغ می کنند، نه با ایزوله کردن جنبش زنان و گسست از

دیگر جنبش‌ها و نه با ادعای غیر سیاسی بودن این جنبش پیش نمی‌رود، چنان‌که بزرگترین تجربه فمینیسم لیبرال-کمپین یک میلیون امضا- بی نتیجه بودن و سترونی لیبرالیسم را به خوبی بر ملا نمود.

بنابراین، رویکرد سوسیالیستی در جنبش زنان، برای مرزبندی قاطع با هرگونه رفرمیسم و پس زدن گرایش لیبرالی که متأسفانه هنوز در جنبش زنان حضور پررنگی دارد، بایستی علاوه بر نقد بی رحمانه لیبرالیسم در جنبش زنان، بر مبنای استراتژی واحد سوسیالیستی وحدت و انسجام بیابد. بدون شک، احقاق حقوق و خواسته‌های زنان، در گرو توده‌ای شدن مبارزات آنان و جوش خوردن با مبارزه طبقاتی جاری کارگران میسر خواهد بود. از این رو، **تشکل مستقل زنان**، یک راهکار عملی و استراتژیک است که لزوماً باید در دستور کار همه فعالین سوسیالیست جنبش زنان قرار بگیرد. همان‌طور که بر ضرورت تشکل‌یابی کارگران و نیز تشکل‌های مستقل دانشجویی و معلمان تأکید می‌گردد، این خواست مشخص در جنبش زنان نیز، حاکی از بلوغ سیاسی جنبش زنان، و گام بعدی چالش‌های نظری و سیاسی با گرایش لیبرال که تا کنون جریان داشته خواهد بود. **اتحاد، استراتژی واحد سوسیالیستی و گام نهادن به مبارزه عملی**، اینست رمز پیشروی جنبش‌رهای زنان.

گرامی باد ۸ مارس، روز مبارزه زنان علیه ستم جنسی و طبقاتی

پیش به سوی تشکل‌های مستقل و توده‌ای زنان!

زنده باد سوسیالیسم!

دانشجویان سوسیالیست دانشگاه‌های ایران

<http://www.socialist-students.com>

اسفند ۱۳۸۷

مارس ۲۰۰۹